

Future developments of youth identity crisis in Iran

Ghasem Meshkini, Sociology PhD student of Social Problems of Iran. meshkini.01@gmail.com.

Mehran Sohrabzadeh, Associate Professor, Faculty Faculty of Social Sciences, University of kashan. (Corresponding Author). ms3102002@yahoo.com.

Asadollah Babaei Fard, Associate Professor, Faculty Faculty of Social Sciences, University of kashan. babaiefardm@gmail.com.

Ebrahim Hajiani, Associate Professor, social science, University of shahed. ebhajiani@gmail.com.

Abstract

Identity, as a multifaceted, variable and fluid concept, in the first place raises the question of who is who, and according to many experts, it causes people, groups, cultures, etc. to be identified from each other. Identity has different dimensions, the most important of which is belonging and commitment. Belonging has an emotional and emotional aspect towards the country, government, Islam, civilization, family, friends...) and commitment has a conflict aspect, that is, people feel duty towards that commitment they have. The identity crisis of the youth also refers to the fact that due to the changes in the global system, transformations and changes in the structural, cultural and communication fields and at the same time not being recognized by the statesmen, the young people have difficulty recognizing their place in the surrounding environment, their group and society. have become problems and conflicts. In this research, using the causal layer analysis method as one of the future research and interview methods, 227 drivers affecting the youth identity crisis were identified, then these drivers were divided into three direct (close), national (far) and global layers according to the Peštel model. (further) were divided and summarized, which finally reached 51 Pishran. These drivers were given to the experts by using the researcher's questionnaire to identify the most important ones, and 16 drivers were considered. Finally, these drivers were analyzed by Mic Mac software, and the drivers of "ideological view of the government towards identity, value-structural changes, globalization" were selected as highly influential drivers.

Keywords

Identity, Identity Crisis, Youth, Globalization, Sovereignty.



تحولات آینده بحران هویت جوانان در ایران

قاسم مشکینی^۱، مهران سهرابزاده^۲، اسداله بابایی فرد^۳، ابراهیم حاجیانی^۴

چکیده

هویت به مثابه مفهومی چندوجهی، متغیر و سیال، در وهله اول پرسش از کیستی را می‌رساند و به باور بسیاری از صاحب‌نظران، موجب شناسایی افراد، گروه‌ها و فرهنگ و غیره از یکدیگر می‌شود. هویت دارای ابعاد متفاوتی است که مهم‌ترین بعد آن تعلق و تعهد می‌باشد. تعلق جنبه عاطفی و احساسی نسبت به کشور، دولت، اسلام، تمدن، خانواده، دوستان... و تعهد جنبه درگیری دارد، یعنی افراد نسبت به آن تعهدی که دارد، احساس وظیفه می‌کند. بحران هویت جوانان نیز به این موضوع اشاره دارد که در اثر تحولات نظام جهانی، دگرگونی و تحولات در زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، ارتباطات و درعین‌حال به رسمیت شناخته نشدن از سوی دولتمردان، جوانان در تشخیص جایگاه خود در محیط پیرامونی، گروه و اجتماع خود دچار مشکل و تعارض شده‌اند. در این پژوهش با استفاده با روش تحلیل لایه علی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی و همچنین مصاحبه، ۲۲۷ پیشران مؤثر بر بحران هویت جوانان شناسایی شد، سپس این پیشران‌ها بر طبق مدل پستل به سه لایه مستقیم (نزدیک)، ملی (دور) و جهانی (دورتر) تقسیم و تلخیص شدند که درنهایت به ۵۱ پیشران رسید. این پیشران‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته در اختیار خبرگان قرار گرفت تا مهم‌ترین آن‌ها را مشخص نمایند که از بین آن‌ها ۱۶ پیشران موردتوجه قرار گرفت. درنهایت این پیشران‌ها به وسیله نرم‌افزار میک مک تجزیه و تحلیل شد که پیشران‌های «دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی- ساختاری، جهانی‌شدن» به‌عنوان پیشران‌های شدیداً تأثیرگذار انتخاب گردیدند.

واژگان کلیدی

هویت، بحران هویت، جوانان، جهانی‌شدن، حاکمیت.

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۳/۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۸/۰۵/۱۴۰۲

meshkini.01@gmail.com

ms3102002@yahoo.com

babaeifardm@gmail.com

ebhajiani@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان.

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول).

۳. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان.

۴. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد.



مقدمه

به لحاظ لغوی هویت^۱ از واژه Identitas ترکیب شده و یک کاربرد دوگانه دارد: الف) همسانی و یکنواختی مطلق؛ ب) تمایز که دربرگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان. گرچه دو معنای نامبرده متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، ولی در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند که در بحث از چیستی هویت بیان می‌گردد. در جوامع سنتی پیوند تنگاتنگ فضا، زمان و فرهنگ در یک مکان یا محل و سرزمین معین، نیازهای هویتی را به خوبی تأمین می‌کرد و انسان‌ها درون دنیاهای اجتماعی کوچک، محدود، پایدار و منسجم خود به هویت و معنای مورد نیاز خود به‌آسانی دست می‌یافتند، ولی فرایند جهانی شدن با پاره کردن این پیوند و نفوذپذیر کردن و فروریختن مرزهای مختلف زندگی اجتماعی، آن دنیاهای را به شدت متزلزل و حتی نابود کرد. تحت تأثیر این دگرگونی‌های بنیادین، امکان هویت‌یابی سنتی بسیار کاهش یافته و نوعی بحران هویت و معنا پدیدار شده است (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۵). مسئله شدن هویت که همواره بحث بحران هویت در خلال آن نیز مطرح بوده است طی فرایندهای ۱. چندبعدی شدن هویت؛ ۲. سیال شدن هویت؛ ۳. جهانی/ محلی شدن هویت؛ ۴. سیاسی شدن هویت، رخ داده و پیامدها و اثرهای مهمی بر کنش‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه بر جای گذاشته است (بیننده، ۱۳۹۳: ۹). سیال بودن هویت درعین حال که سبب پویایی آن می‌گردد، باعث ایجاد خطرهایی نیز می‌گردد. در اثر این تغییر و تحولات (جهانی شدن و سیاست‌گذاری دولت‌ها) میان عناصر و منابع سازنده هویت، وضعیت تضاد و تعارض و قطبی شدن حاکم شده است که از آن با عنوان «بحران هویت» یاد می‌شود. این بحران یک‌حالتی از بی‌ثباتی، گم‌گشتگی و اختلال کارکردی است که باعث می‌شود افراد در جهان بیرونی با هنجارها و ارزش‌های زیاد و درعین حال مختلفی مواجه شود یا در جهان درونی، این هنجارها و ارزش‌ها مسبب تعارض و کشمکش شود (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۴۲). بحران هویت^۲ هم می‌تواند فردی باشد و هم می‌تواند اجتماعی باشد. نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی معمولاً به بحران هویت از منظر فرد توجه می‌کنند. اینکه چگونه یک فرد در تعارض با نقش‌هایی که به او واگذار می‌شود، توان پذیرش و اداره نقش را نداشته و به بحران هویت کشیده می‌شود (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸: ۶۷). اریکسون^۳

1. Identity

2. Identity Crisis

3. Erikson

(۱۹۶۸)، بحران هویت را برای توصیف ناتوانی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد به کار برده است. به عبارتی، از دیدگاه اریکسون فرد در تشخیص ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، دچار تعارض‌های بنیادی گشته است. هرچند اریکسون بحران هویت را در معنای روان‌شناختی به کار می‌برد، اما غالباً تمایل دارد این پدیده را در یک زمینه یا بستر اجتماعی مورد بررسی قرار دهد، به همین دلیل معتقد است بحران هویت، درعین حال که پدیده و حالتی روانی و روان‌شناختی است، اما عمیقاً متأثر از جامعه و زمینه‌های اجتماعی است. به همین دلیل هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی افراد معنایی ندارد. افراد بی‌همتا و متغیر هستند، ولی شخصیت کاملاً به صورت اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و کنش اجتماعی ساخته می‌شود (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۵).

از نظر حسین بشیریه مفهوم بحران هویت به معنای مدرن و جدید آن از اواخر دوران قاجاریه و مصادف با شکل‌گیری دولت مدرن، ایجاد گردید. در دوران پهلوی و با ادامه یافتن سیاست نوسازی، این بحران استقرار یافت که هدف آن‌ها ساختن انسان خاص خودشان، یعنی انسان مسلمان کامل، ایرانی کامل، انسان غربی کامل. در دوره پهلوی دوم نیز این رویه توسط محمدرضا شاه ادامه پیدا کرد تاگفتمان ناسیونالیستی - سکولار به عنوان گفتمان برتر غالب شود که این عمل باعث ایجاد تضاد و اختلاف‌هایی بین بخش سنت‌گرا و مدرن جامعه ایجاد شد.

بعد از انقلاب ۵۷ نیز ایدئولوژی انقلاب اسلامی نیز با عناوین سنت‌گرایی، اسلام‌گرایی و در جهت تأسیس انسان متعهد مسلمان برآمد و با ارائه الگوی آرمانی و کلی که انسان‌های عادی باید تلاش کنند که به آن الگو ارتقاء یابند، مجدداً بحران هویت را تشدید کرد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۳۰۸-۳۰۵). به عبارتی سیاست حکومت جمهوری اسلامی در تضاد با سیاست حکومتی دوره پهلوی اول و دوم بود که بر این اساس، گفتمان جمهوری اسلامی و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها آن‌ها در جهت بازگشت به اسلام که ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت، جهت داده شد؛ بنابراین در نتیجه این سیاست‌ها در صدد ارزشی و اسلامی کردن تمام امور برآمدند (سیاست ما عین دیانت ما است و دیانت هم عین سیاست ما است). مشخصه اصلی این گفتمان ضدیت با مدرنیته غرب و دستاوردهای آنان و همچنین تلاش در جهت احیاء و اجرای دوباره شریعت و فقه معطوف شد. در همین راستا انقلاب ایران با تمام قدرت سعی در اسلامی کردن جامعه برآمد و به تبع آن تغییراتی در نظام فرهنگی و آموزشی به وجود آوردند.

قشر جوان هر کشوری به این دلیل که نیروی فعال و پرانگیزه هر کشور هستند، نقش اساسی نیز در تضمین حیات ملی و فرهنگی آن‌ها دارا می‌باشند. به همین خاطر کسب هویت مطلوب (در اینجا هویت مطلوب به معنای هویت یکپارچه نیست، بلکه به معنای هویتی است که در عین تکثر، دارای ثبات و تعریف اشتراکی از منابع هویتی هم باشد) در ابعاد فردی و اجتماعی در جوانان، هم باعث بالارفتن درجه امید به آینده و هم مایه اعتماد نهادهای اجتماعی به ویژه نهاد حکومت به آنان و نقش آن‌ها در ضمانت زیست جمعی در دهه‌های آینده است. در نتیجه کیفیت هویت فردی و ملی جوانان می‌تواند نقش اساسی در توسعه کشور ایفا نماید. از آنجایی که کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه است و از نظر سنی نیز، بنا به داده‌های آماری در سال ۱۳۹۹، حدوداً ۵۰ درصد از جمعیت زیر ۳۰ سال می‌باشند، بنابراین لزوم حفظ و پایداری هویت جوانان ایرانی یکی از مهم‌ترین مسائل کشور است و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب معطوف به تبیین هویت جوانان می‌تواند نقش ارزنده‌ای در تحکیم وحدت و همبستگی داشته باشد. در همین راستا حوزه‌های گسترده مطالعات علمی آینده با تکیه بر تفسیر و پیش‌بینی مبتنی بر قانون احتمالات به صورت فرا رشته‌ای شکل گرفته است. به جهت افزایش پیچیدگی محیط و پویایی آن، تأثیرگذاری متغیرهای محیطی و افزایش تعاملات جهانی و مسائل مواجهه با فرایند جهانی‌شدن، شبکه‌های مجازی و به تبع آن تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها، تغییر سبک زندگی و... مطالعات آینده، آینده‌پژوهی و کشف تحولات مسیر آینده هویت جوانان ضرورت می‌یابد. در نتیجه پژوهش حاضر در صدد است تا زمینه‌های شکل‌گیری بحران هویت جوانان، آینده‌های هویت جوانان در ایران ۱۴۱۰ را بررسی نماید.

پیشینه پژوهش

- بابایی فرد (۱۳۸۲)، در تحقیقی که با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی بحران هویت در بین دانش‌آموزان پسر شهر تهران» انجام داده، به این نتیجه رسیده است که در بررسی وضعیت بحران هویت در بین دانش‌آموزان، ۴۹/۱ درصد از دانش‌آموزان دچار بحران هویت در سطح بالا هستند. ۴۶/۶ درصد از آن‌ها دچار بحران هویت در سطح متوسط و فقط ۴/۳ درصد از آن‌ها دچار بحران هویت در سطح ضعیف می‌باشند. همچنین در از نظر ارزیابی تعارض ارزش‌ها، ۴۶/۶ درصد از دانش‌آموزان به وجود تعارض ارزش‌ها در جامعه کنونی ما در سطح زیاد اعتقاد دارند. ۴۴/۴ درصد از آن‌ها این پدیده را در حد متوسط و فقط ۹ درصد از آن‌ها آن را در سطح کم ارزیابی می‌کنند.

- حاجیانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌شناسی هویت جمعی در ایران با روش تحلیل ماتریس متقاطع» عناصر سازنده هویت جمعی در ایران (هویت ملی، هویت مذهبی، هویت محلی و هویت مدرن) را بررسی و مناسبات تعاملی میان آن‌ها واکاوی شده است. وی معتقد است در ایران آینده هویت مدرن از اهمیت برجسته‌ای برخوردار خواهد شد و پاره‌ای تغییرات در ماهیت و جایگاه مناسبات میان ابعاد مختلف هویت به وجود خواهد آمد.

- نوابخش و مستانه (۱۳۹۰)، در تحقیق خود با عنوان «جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان» که با روش پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته، با حجم نمونه ۲۰۰ نفر از دانشجویان واحد علوم تحقیقات، به این نتیجه دست یافتند که جهانی‌شدن باعث ایجاد بحران هویت در جوانان می‌گردد. این تحقیق نتیجه می‌گیرد که جهانی‌شدن باعث تضعیف اهمیت عناصر هویت‌بخش می‌شود که در نتیجه آن نیز منجر به شکل‌گیری بحران هویت جوانان می‌شود. این تحقیق در ادامه دلایل خویش برای مقوله بحران هویت جوانان، مطرح می‌کند که سبک زندگی غربی و به تبع آن مصرف‌گرایی، باعث تشدید این بحران می‌شود.

- کال (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان «جهانی‌شدن و بحران هویت فرهنگی» به این نتیجه می‌رسد که جهانی‌شدن یک فرهنگ جهانی را ایجاد می‌کند که در آن هویت ادغام می‌شود و تمایل به ایجاد یک فرهنگ همگن در سراسر جهان ایجاد می‌گردد. چنین تهاجمی فرهنگی ممکن است ارزش‌های سنتی و هویت فرهنگی بومی را از بین ببرد و برای برخی از دولت‌های محافظه‌کار مشکلات جدی ایجاد می‌کند. جهانی‌شدن از طریق تشویق درگیری‌ها به جای سازش، از طریق فرصت‌های بیان و ائتلاف‌های فرامرزی در میان گروه‌های مشابه، تأثیری اساسی بر بحران هویت دارد. وی همچنین شاخص‌های بحران هویت را عبارت از: سیاسی شدن تفاوت‌های فرهنگی، عدم سازش، تمامیت‌خواهی مطالبات هویتی و پیامدهای سیاسی مبهم این درگیری‌ها، می‌داند.

- آیویس (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان «هویت و بحران هویت: بحران هویت دانش‌آموزان سال اول در دانشگاه‌های لتونی و شاخص‌های جامعه‌شناسی آن‌ها»، به این نتیجه رسیده‌اند که؛ شاخص‌های کلی بحران هویت دارای ارتباط آماری بسیار نزدیکی با سن پاسخ‌دهندگان و این موضوع که آیا پاسخ‌دهندگان خواهر یا برادر دارند، است. ارتباطات سطح متوسط در رابطه با اینکه آیا پاسخ‌دهندگان ازدواج کرده‌اند

وضعیت خانوادگی - متاهل/مجرد) و اینکه آیا آن‌ها دارای فرزند هستند (فرزندان - فرزندان یا بدون فرزند)، می‌باشد. تجزیه و تحلیل شاخص‌های کلی بحران هویت و شاخص‌های جمعیتی - اجتماعی مربوط به ازدواج والدین، ملیت پاسخ‌دهنده و ملیت والدین پاسخ‌دهنده هیچ ارتباطی را نشان نداد. این تحقیق عناصر بحران هویت در میان زنان جوان را در عواملی مانند سن، تحصیلات دانشگاهی، اهداف بلندمدت، انتخاب شغل، دوستی، فرزندان، تعلق به یک گروه اجتماعی و جنسیت بررسی کرد.

ادبیات پژوهش

اریکسون^۱ (۱۹۶۸)، معتقد است بیشتر افراد برای دستیابی به یک هویت با سؤالاتی از قبیل معنای زندگی من چیست؟ روبرو می‌شوند که باید در طی دوره رشد روانی اجتماعی، پاسخی برای پرسش هویت خود بیابد. در نظر وی، هر بحران روانی اجتماعی، سن یا مرحله‌ای از گستره زندگی را تعیین می‌کند. اریکسون این هویت‌یابی را شامل ۸ مرحله می‌داند. ۱. اعتماد در مقابل عدم اعتماد؛ ۲. تکیه کردن در مقابل شرم و تردید؛ ۳. ابتکار در مقابل احساس گناه؛ ۴. کارایی در مقابل حقارت؛ ۵. هویت در برابر آشفتگی هویت؛ ۶. صمیمیت در مقابل تنهایی؛ ۷. باروری در مقابل بی‌حاصلی؛ ۸. کمال در مقابل سرخوردگی.

وی عنوان می‌کند که در مرحله پنجم یعنی «هویت در برابر آشفتگی هویت» که برابر با سن نوجوانی است، این بحران شکل می‌گیرد. شکل‌گیری شخصیت فرد بستگی به این دارد که نوجوان چگونه با بحران پدیدآمده در هر مرحله مواجه می‌شود و سعی در حل آن دارد؛ اگر موفق به حل بحران شود، می‌تواند با بحران‌های مراحل بعدی نیز مقابله کند. اریکسون بحران هویت را بخشی جدایی‌ناپذیر از شکل‌گیری هویت می‌داند (Erikson, 1998: 3)، در واقع از دیدگاه اریکسون، بحران هویت برای یک شخص همیشه یک امر منفی نیست. وی بیان می‌کند که بحران هویت باید به عنوان یک امر ضروری پذیرفته شود؛ به عبارت دیگر، افراد حتماً در زندگی خود با بحران هویت دست و پنجه نرم خواهند کرد. بحران هویت یک فرد را می‌توان به عنوان بخشی از مرحله رشد فرد برای رسیدن به سطح بالاتری از مرحله رشد روانی - اجتماعی در زندگی‌اش نام برد. حل موفقیت‌آمیز هر بحران به حل موفقیت‌آمیز بحران‌هایی که پیش از آن بوده‌اند، بستگی دارد (Larasati, 2017: 2-3).

کاستلز^۱ هویت را سرچشمه معنا و تجربه برای مردم و فرآیند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی، یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود، می‌داند. از نظر کاستلز هویت نه تنها فرایندی برای خودشناسی کنشگران اجتماعی است، بلکه معناسازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد. به اعتقاد وی با اینکه هویت منبع معنا برای خودکنش‌گران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود، با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند (اله وردی و گوردزی، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

از نقطه نظر کاستلز یکی از مهم‌ترین عواملی که در عصر حاضر بر هویت‌ها (فردی، جمعی و ملی) اثرگذار است، تحولات ناشی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. انواع هویت، جامعه شبکه‌ای است و انواع هویت بر اساس جایگاه تاریخی، متن و زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند (حاجیانی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۶).

کاستلز با تأکید بر عصر اطلاعات، روند جهانی‌شدن را ظهور نوع «جامعه شبکه‌ای» می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری؛ پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در برمی‌گیرد. فرایند جهانی‌شدن همچنین ساختارهای اجتماعی قدرتمندی پدید می‌آورد که همه هویت‌های فردی و جمعی را نادیده می‌گیرند یا دست کم دگرگون می‌کنند (Castells, 1995: 35). نتیجه‌ای که در نهایت حاصل می‌شود خشکیدن سرچشمه‌های هویت‌های مشروعیت بخش می‌شود. در همان حال هویت‌های نیرومند مقاومت ایجاد می‌شوند که در برابر امواج جهانی و فردگرایی رادیکال ایستادگی می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۱). در نهایت کاستلز برخلاف دیدگاه‌های برخی نظریه‌پردازان که بازسازی خاص‌گرایانه یا جنبش‌های بنیادگرانه فرهنگی را الگویی فرعی و پیرامونی می‌دانند که با تداوم فرایند جهانی‌شدن و پیشرفته‌تر شدن تجدد کم‌رنگ‌تر خواهد شد، معتقد است چنین ادعایی با واقعیت‌های زندگی اجتماعی معاصر مطابق ندارد و خاص‌گرایی را پدیده‌های مهم‌تر و فراگیر به شمار می‌آورد.

گیدنز^۲ نیز معتقد است در زندگی اجتماعی امروزی، مفهوم شیوه زندگی معنایی خاصی به خود می‌گیرد. هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود و هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. به دلیل «باز بودن» زندگی اجتماعی امروزی و همچنین به علت تکثریابی زمینه‌های

1. Castells
2. Giddens

عمل و تنوع «مراجع»، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰). گیدنز در ادامه بیان می‌کند افرادی که روش‌های سنتی را کنار می‌گذارند، درها را به روی آینده‌ای مسأله‌زا و ابهام آلود می‌گشایند که مفهوم «خطر کردن» جایگاهی مرکزی می‌یابد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۶۰). محاسبه خطرهای احتمالی هرگز کامل و عاری از عیب و نقص نخواهد بود در خطر کردن‌های نسبتاً محدود نیز همواره امکان برخورد با پیشامدهای غیر ارادی و پیش‌بینی نشده وجود خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۹۸: ۶).

از نظر ریچارد جنکینز^۱ همه هویت‌های انسانی، برحسب تعریف، هویت‌های اجتماعی‌اند. تعیین هویت خودمان یا دیگران، دارای معنا و معنا همیشه مستلزم کنش متقابل است. وی معتقد است هویت، درک افراد از خویشتن که چه کسانی هستند و سایر افراد کی هستند و متقابلاً درک سایر افراد از خودشان و دیگران می‌باشد. جنکینز هویت را حاصل دیالکتیک درونی بیرونی یا فرد و جامعه می‌داند. وی هویت‌های اولیه را از هویت ثانویه متمایز می‌سازد. از نظر وی، هویت‌های اولیه (نظیر خود بودن انسان بودن، جنسیت، قومیت و خویشاوندی) در اوایل زندگی ساخته می‌شوند و گروه‌های نخستین نقش اساسی در شکل‌گیری آن دارند؛ اما هویت ثانویه چیزی است که در اجتماع و با تعامل شکل می‌گیرد. جنکینز معتقد است که هویت به‌طور همزمان دو مفهوم «شباهت» و «تفاوت» را شامل می‌شود. بر این اساس، آنچه به یک گروه انسانی هویتی می‌بخشد، شباهت‌هایی است که باعث تفاوت آن‌ها از گروه‌های دیگر می‌گردد. شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مفاهیمی هستند که توسط افراد بر ساخته می‌شوند. به همین جهت هر فرد قادر می‌شود در موقعیت‌های مختلف، هویت‌های متعددی را بسازد و خود را متعلق به آن‌ها بداند.

جنکینز در نقد از دریدا و سایر نظریه‌پردازان رویکرد تفاوت به مانند؛ استیوارت هال (۱۹۹۶)، سیلا بن حبیب (۱۹۹۶)، جودیت بتلر (۱۹۹۰)، پل گیلروی (۲۰۰۶)، لوسی آیریگاری (۱۹۹۳)، استیون سایدمن (۱۹۹۷) و چارلز تیلور (۱۹۹۴)؛ که بر تفاوت و کثرت تأکید دارند، عنوان می‌کند که؛

– از جنبه منطقی و در کنش متقابل هر روزه، عاقلانه نیست که تشابه و تفاوت مطابق با یک معنای مهم‌تر تفکیک گردند.

– رویکرد تفاوت با تمرکز بیش از اندازه بر تفاوت، پاسخ به پرسش‌های کانونی در

نظریه اجتماعی را دشوار ساخته و حتی با نظریه اجتماعی درگیر می‌شود. اگر کسی بخواهد تغییر اجتماعی را درک کند، تمرکز بیش از اندازه بر تفاوت، بی‌فایده است. از این جهت که این کار با واقعیت‌های قابل مشاهده سازگار نیست.

- اگر پیچیدگی اجتماعی رو به رشد، تنوع فرهنگی و کثرت هویت‌ها به درستی نشانه جهان پسامدرن هستند، پس همه تقاضاها برای نفع مشترک‌مان به عنوان انسان‌ها هیچ نخواهد بود مگر اینکه ما بتوانیم همزمان زندگی با تفاوت را بیاموزیم (جنکینز، ۱۳۹۷: ۳۱-۲۱).

هگل^۱ معتقد است موتور محرکه تاریخ بشر مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن است؛ و تنها راه حل عقلانی برای این مطالبه بازشناسی یکسان کرامت همه انسان‌ها است. فرانسویس فوکویاما^۲ نیز در کتاب «هویت؛ سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن» به تأثی از وی، بیان می‌کند که هویت با یکی از نیازهای دائمی انسان، یعنی نیاز به بازشناسی یا به رسمیت شناخته شدن از سوی دیگران و جامعه پیوند می‌خورد. وقتی هویت فرد یا گروهی انکار یا تحقیر می‌شود بدان معناست که موجودیت آن فرد یا گروه زیر سؤال می‌رود و پذیرفته نمی‌شود. چنین وضعیتی حتی اگر فرد در رفاه اقتصادی باشد برای او قابل تحمل نیست و سبب بحران در هویت می‌گردد. به بیان چارلز تیلور^۳ هویت «ایده اخلاقی قدرتمندی است که بر ما نازل شده» و به دلیل ریشه داشتن در روانشناسی عام بشری و برابری خواهی، مرزها و فرهنگ‌ها را در نوردیده است. هویت به عنوان یک ایده اخلاقی می‌گوید ما صاحب یک خود درونی اصیل هستیم که به رسمیت شناخته نمی‌شود و کل جامعه بیرونی چه بسا بر خطا یا سرکوبگر باشد. هویت نیاز طبیعی ما برای به رسمیت شناخته شدن کرامت‌مان را در کانون توجه خویش قرار داده و اگر این نیاز برآورده نشود زبانی برای ابراز انزجار در اختیار ما می‌گذارد.

فوکویاما با اشاره به قدرت‌های بزرگی چون روسیه، چین، آمریکا و بریتانیا، معتقد است در همه این جوامع، هویت بخشی از مردم به قدر کافی توسط جهان خارج (زمانی که آن گروه ملت باشد) یا اعضای دیگر همان جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شود. این هویت‌ها بسته به ملت، مذهب، قومیت و جهت‌گیری جنسی یا جنسیت سخت متنوع و جلوه‌هایی از یک پدیده مشترک به نام سیاست هویت‌اند (فوکویاما،

1. Hegel

2. Francis Fukuyama

3. Charls Taylor

۱۳۹۸: ۲۴). وی در رابطه با وضعیت خاورمیانه، معتقد است که ضعف هویت ملی یکی از مشکلات اصلی در خاورمیانه است، جایی که در آن یمن و لیبی به دولت‌های ورشکسته تبدیل شدند و افغانستان، عراق و سومالی گرفتار آشوب و شورش داخلی هستند. بیشتر کشورهای خاورمیانه با مشکل ضعف هویت ملی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ و این مانع ای عمده پیش پای توسعه به شمار می‌آید. وی همچنین بیان می‌کند که در سراسر آفریقا نیز وضعیت همین طور است. مثلاً گشورهایی چون کنیا و نیجریه از نظر قومی و مذهبی چند پاره‌اند؛ ثبات تنها بدان دلیل حفظ می‌شود که گروه‌های مختلف قومی به نوبت قدرت را به دست می‌گیرند تا دست به غارت کشور بزنند. نتیجه این وضعیت سطح بالای فساد، فقر و شکست توسعه اقتصادی است. در نقطه مقابل، ژاپن، کره و چین مدت‌ها پیش از آنکه مدرن شدن را آغاز کنند. در واقع قبل از مواجهه با قدرت‌های غربی در قرن نوزدهم - هویت‌های ملی و توسعه یافته‌ای داشتند. یکی از دلایل رشد شگفت‌آور این کشورها در قرن بیستم و بیست و یکم آن است که هنگام باز کردن درهای خود به روی تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی مجبور نشدند مشکلات هویتی داخلی را حل و فصل کنند. این کشورها نیز گرفتار جنگ داخلی، اشغال و اختلاف داخلی بودند، اما توانستند با اتکا بر سنت دولتمندی و داشتن هدف ملی مشترک این منازعات را پشت سر بگذارند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

لوسین پای نیز در کتاب «بحران‌ها و توالی‌های توسعه سیاسی» به این موضوع می‌پردازد که توسعه سیاسی فرایندی است که توانایی مهار و غلبه بر پنج بحران را فراهم کند؛ مشروعیت، هویت، مشارکت، نفوذ و توزیع.

در فرآیند توسعه سیاسی، بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه دریابد آنچه را که تاکنون به‌طور بی‌چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه خود جمع‌اش پذیرفته است، تحت شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست. برای اینکه نظام سیاسی بر اساس تغییر در قلمرو، شدت، اشکال ساختاری با رویه‌ای خود به سطحی جدید از عملکرد دست یابد، ضروری است که مشارکت‌کنندگان در نظام از نو تعریف کنند، کی هستند و چگونه با کلیه دیگر نظام‌های سیاسی یا اجتماعی تفاوت دارند. از لحاظ تاریخی، ممکن است ملت‌ها و جوامع، تجربیات ناخوشایندی را در جریان جنگ‌ها یا فجایع ملی، به خاطر داشته باشند، اما لزوماً چنین رویدادهای تکان‌دهنده‌ای بحران هویت را موجب نمی‌گردند. از طرف دیگر، نیروهای تدریجی و

غیر مهیجی مانند گسترش ارتباطات جهانی، می‌توانند بنیان هویت یک جامعه سابقه‌منزوی را با آگاه‌سازی مردم آن جامعه از یک دنیای کاملاً نوین از اقدام سیاسی متزلزل سازند. بدین ترتیب، بحران هویت مرحله‌ای از رشد است که نظام سیاسی به هنگام تغییر اساسی اشکال اصلی آن، بالاجبار باید تجربه نماید. بحران هویت نشانه رشد و تغییر است، نه علامت ضعف و نابهنجاری.

بحران هویت هنگامی آغاز گردید که در جوامع جدیدی که مورد چالش قرار گرفته بودند مردم احساس کردند که نه فقط با یک تعارض کلاسیک با خارجی‌ها، بلکه با چرخشی مهم در تاریخ مواجه‌اند که مستلزم بازبینی ارزش‌ها و رویه‌های موجود بود. با این وجود، این برداشت یک جامعه از تجربه‌های خود است که تعیین‌کننده میزان تأثیر آن تجربیات در ایجاد بحران هویت است (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۱-۱۷۰).

از نظر حسین بشیریه مفهوم بحران هویت به معنای مدرن و جدید آن از اواخر دوران قاجاریه و هم‌زمان با شکل‌گیری دولت مدرن، بحران هویت هم ایجاد شد. در آن دوره ضرورت تأسیس هویت جدید ایرانی بر مبنای عناصر برگرفته از هویت ایرانی ماقبل اسلام به صورت ایده‌آلیزه شده و ترکیب آن با عناصر فرهنگ و تمدن غربی، با تخفیف و تضعیف هویت‌های مادون ملی (هویت قومی، ایلی و ...) صورت گرفت بنابراین، سیاست تأسیس هویت ایرانی، سیاستی بود که یک دولت مدرن، لاجرم در پیش گرفته بود. این آغاز بیگانه‌سازی‌های هویتی در ایران است و در این مرحله است که هویت اسلامی جدید سیاسی به تدریج شکل می‌گیرد و چنگانگی هویت (حداقل در سطح ایدئولوژیک) رخ می‌نماید. از این رو است که ما شاهد محدودیت‌هایی در سیاست‌های هویت‌سازی رضاشاه در آن دوره هستیم. با ادامه سیاست‌های نوسازی در دوران پهلوی، این بحران استقرار یافت و چنگانگی هویتی در سطح ایدئولوژیک سرچشمه نزاع‌ها و برخوردهای اجتماعی سیاسی گشت، چراکه هدف هر یک از این بلوک‌ها و گفتمان‌های ایدئولوژیک، ساختن انسان خاص خودشان بود، یعنی انسان مسلمان کامل، ایرانی کامل، انسان غربی کامل؛ اما تجربه نشان داده است که سیاست‌های هویت‌سازی دولتی با شکست مواجه شده‌اند و حتی اثر هویت‌سازی از سوی دولت بر عکس خواست واقعی جلوه خواهد نمود. کوشش دولت پهلوی جهت تأسیس هویت ایرانی به‌طور مطلق، موجب تشدید هویت اسلامی، جنبش اسلامی، تقویت روحانیت از نظر فکری و گسترش نفوذ آنان در بین قشر جوان و تحصیل‌کرده و روشنفکر شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند بحران هویت ادامه یافته است، اما طرفین قضیه نسبت به گذشته متفاوت بوده‌اند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی به ویژه پس از انتقال کامل قدرت به گروه‌های اسلام‌خواه و حذف گروه‌های لیبرال و چپ‌گرا از عرصه قدرت، مجموعه‌ای از هویت‌ها و خود فهمی‌ها عرضه کرد. در نتیجه، مفاهیمی چون امت اسلامی، ملت مسلمان، جمهوری اسلامی، وحدت امت و جهان اسلام در مقابل غرب و غیر اسلام بر کل ارتباطات سیاسی و عمومی غلبه یافت و عرصه برای ظهور و گسترش خود فهمی‌ها و هویت‌های دیگر تنگ شد. ایدئولوژی اسلامی به عنوان ساختار معنایی تنها می‌توانست توانایی خود در تولید معنا را با قطع پیوند عملی با ساختارهای معنایی دیگر چون لیبرالیسم، دموکراسی، تجدد و غرب‌گرایی عملی سازد. به این ترتیب، سخنگویان ایدئولوژی انقلاب اسلامی مجبور شدند برای حفظ معنا دار بودن پیام‌های خود، به درون ابعاد اسطوره‌های زبان مذهبی پناه ببرند. در نتیجه، روح سحرآسای مذهب، گفتمان ایدئولوژیک رایج را فراگرفت. دوران بسیج سیاسی دهه ۶۰ که همزمان با دوران بسیج جنگی بود، شاهد اوج گسترش گفتمان اسلام‌گرایی ایدئولوژیک گشت؛ اما در عمل کوشش برای کاربرد این ایدئولوژی در مصاف با مسائل و مشکلات عمومی، منجر به گسترش نوعی خلاء ارتباطی شد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی نه تنها همه گروه‌های غیر خودی را از دایره عرصه ارتباطی خویش حذف کرده و بیگانه می‌ساخت، بلکه توانایی پوشش دادن به هویت‌های قومی، مذهبی و محلی متعدد در کشور را نیز دارا نبود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲).

البته افراد شخصیت‌های منفعل نیستند که بتوان آن را به دلخواه تغییر داد یا به آن محتوای دیگر بخشید. افراد، وجود اجتماعی و تاریخی دارد؛ یعنی او آفریده تاریخ است و در عین حال استعداد آفرینندگی تاریخ را دارد تاریخی بودن فرد چیزی نیست که به او الحاق شده باشد، بلکه بیشتر نیاز تاریخ است و نیز فرد به تاریخ یک امتیاز نیست، بلکه زاییده ساختار هستی اجتماعی انسان است.

روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا به منظور شناسایی وضعیت بحران هویت جوانان، ابتدا از روش تحلیل لایه علی و مصاحبه، استفاده شده است که ۲۲۷ پیشران شناسایی شد. تحلیل لایه‌ای علی از چهار سطح تشکیل می‌شود که عبارتند از:
لیتانی، علت‌های اجتماعی، جهان‌بینی و گفتمان مسلط و در نهایت اسطوره- استعاره.
۱. این لایه ناظر بر عینی‌ترین و آشکارترین سطح تحلیل است؛ و پس از بررسی

دوباره متن مصاحبه‌ها و مرور چندین باره آن‌ها، پارامترهای سطح لیتانی به عنوان مؤلفه‌های بحران هویت جوانان، استخراج می‌گردد.

۲. سطح دوم که سطح عوامل سیستماتیک یا علل اجتماعی می‌باشد. در این لایه به این پرسش‌های اصلی پرداخته می‌شود که بحران هویت جوانان که در سطح لیتانی ساخته شده‌اند، چه علل اجتماعی دارند؟

۳. سطح سوم جهان‌بینی/گفتمان است. در این مرحله به بررسی ساختارهای عمیق اجتماعی و روابط قدرت پرداخته می‌شود.

۴. لایه چهارم سطح استعاره/اسطوره است. در این مرحله به بررسی ساختارهای عمیق ذهن پرداخته می‌شود. به عبارتی این مرحله به سطح ناخودآگاه و جمعی مسئله می‌باشد که به فهم نشانه‌ها و استعاره‌ها توجه دارد.

۲۲۷ پیشران شناسایی شده بدین ترتیب می‌باشد: پیشران‌های محیط سیاسی (۵۷)، پیشران‌های محیط اقتصادی (۲۵)، پیشران‌های محیط فرهنگی-اجتماعی (۱۲۱)، پیشران‌های محیط فناورانه (۱۱)، پیشران‌های محیط زیستی (۱۳) و پیشران‌های محیط قانونی (۶) مورد است.

در ادامه روند پژوهش، پیشران شناسایی شده مؤثر در محیط آینده بحران هویت در ایران بر اساس مدل پستل و رویکرد لایه‌ای به دلایل زیر تجمیع و تلخیص شده‌اند؛

۱. بسیاری از پیشران‌های شناسایی شده در پژوهش‌های مختلف، دارای وحدت معنایی هستند اما از کلمات مختلف برای نام‌گذاری آن‌ها استفاده شده است.

۲. پیشران‌های شناسایی شده دارای میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هم‌سطح نیستند.

۳. به دلیل تمرکز موضوعی برخی پژوهش‌ها، پیشران‌هایی شناسایی شده‌اند که در موضوع مورد مطالعه بسیار مؤثر هستند اما در سطح راهبردی، قابل اغماض می‌باشند.

۴. از نظر روشی، امکان مقایسه تعداد زیادی از پیشران‌ها با یکدیگر وجود ندارد.

در نتیجه ۵۱ پیشران دارای بیشترین اهمیت شناسایی شدند که به صورت ذیل

است. پیشران‌های محیط سیاسی {۹}، پیشران‌های محیط اقتصادی {۴}، پیشران‌های

محیط اجتماعی- فرهنگی {۲۹}، پیشران‌های محیط فناورانه {۲}، پیشران‌های محیط

زیستی {۵}، پیشران‌های محیط قانونی {۲}، شناسایی شد.

بعد از شناسایی پیشران‌ها که از طریق مصاحبه عمیق و مطالعه اسناد و مدارک

احصاء شده است، به ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌ها بر یکدیگر

پرداخته شد. برای این هدف، مهم‌ترین دیدگاه‌ها و عدم قطعیت‌های حاکم بر حوزه

بحران هویت جوانان، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. بدین ترتیب که با توجه به پیشران‌هایی که از مصاحبه و اسناد و مدارک استخراج شده است، پرسش‌نامه محقق ساخته تدوین گردیده و در اختیار خبرگان (که با توجه به تکنیک دلفی تعداد ۱۵ تا ۳۰ نفر می باشد) قرار داده شد تا درباره اندازه اثر پیشران‌ها در چارچوب ماتریس اثرات متقابل امتیاز داده شود.

در ادامه، اثرات متقابل بین عوامل کلیدی در قالب ماتریس $n \times n$ مورد ارزیابی قرار گرفت. به عبارتی دیگر عوامل کلیدی شناسایی شده در مرحله قبل، در چارچوب ماتریس اثرات متقابل گنجانده شده و اندازه اثرات آن‌ها بر یکدیگر توسط خبرگان تکمیل شد. در انتها تمام امتیازهای تعیین شده برای ارزیابی مدل در قالب ماتریس نهایی تهیه شده توسط نرم‌افزار تخصصی تحلیل اثرات متقابل MICMAC پردازش شد. در نهایت بعد از تحلیل با نرم‌افزار میک مک، پیشران‌های تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر بحران هویت جوانان احصاء شد.

همچنین جامعه آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاه، خبرگان و متخصصان علوم اجتماعی می باشد، روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و روش‌های گردآوری داده‌ها در دو بخش اسنادی و میدانی است. ابزار پژوهش هم پرسشنامه، مصاحبه و نرم‌افزارهای میک مک می باشد.

یافته‌های پژوهش

پیشران‌های احصاء شده به تفکیک هر محیط بعد از تخلیص

شناسایی پیشران‌های محیط سیاسی

- بیگانگی عموم جامعه نسبت به هویت مورد نظر نظام سیاسی (رضایی، ۱۳۸۴)، (کاظمی و محسنی آهویی، ۱۳۸۶)، (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (بابایی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸).
- عدم ایجاد هم‌سوئی در سطح ملیت و قومیت (بین زبان رسمی و محلی) و همچنین عدم تعادل‌های ملی (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲)، (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (حاجیانی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)، (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸: ۶۸).
- سرخوردگی افراد از نادیده انگاشته شدن توسط حاکمیت (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۵-۱۹)، (هگل، به نقل از فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۵-۱۹)، (توانا و بیگلری، ۱۳۹۳: ۳۸)، (حسینی و کریمی، ۱۳۹۸: ۲۵۶)، (بابایی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸).
- سیاسی شدن قومیت (حاجیانی، ۱۳۹۸: ۳۲۴).

- داشتن دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت به مقوله هویت (علیخانی، ۱۳۸۳: ۷۷)، (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (توانا و بیگلری، ۱۳۹۳: ۳۸)، (توانا و بیگلری، ۱۳۹۳: ۵۲)، (بشیریه، ۱۳۹۷: ۳۰۸-۳۰۵)، (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲)، (بیننده، ۱۳۹۳: ۹).
- ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲).
- تقابل میان تفکر اسلامی و تفکر لیبرالیستی (سریع القلم، ۱۳۸۳).
- ناکارآمدی سمن‌ها (ذاکری، ۱۳۹۸: ۴۴۴).
- شکل‌گیری هویت‌های خاص گرایانه (بنیادگرایانه) (Castells, ۱۹۹۷: ۶۹).

شناسایی پیشران‌های محیط اقتصادی

- بیکاری جوانان (گودرزی، ۱۳۹۸: ۴۸۵)؛
- بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه (به دلیل تغییر ارزش‌ها) (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۱)، (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰)، (بیزدانی و مروتی، ۱۳۹۰: ۳-۲)، (هاشمیان فر و همکاران، ۱۳۹۰)، (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).
- توجه بیش از اندازه به بعد اقتصادی جهان غرب (توانا و بیگلری، ۱۳۹۱: ۴۱).
- نابرابری قومی (توانا و بیگلری، ۱۳۹۱: ۴۱).

شناسایی پیشران‌های محیط اجتماعی-فرهنگی

- محصولات فرهنگی غربی و مصرف‌گرایی افراطی (مارکوزه به نقل از تدین، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹)، (سی نت به نقل از گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۳۸)، (امیری مقدم، ۱۳۹۸: ۲۱۳)، (شیانی و راسخی بخشایش، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۳)، (ساروخانی و میرزائی ملیکیان، ۱۳۹۳: ۸۶)؛
- چنگدگانی هویت ایرانی و تداخل هویت ملی، دینی و مدرن (شایگان به نقل از بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۳۷)؛
- تصمیم‌های متعارض در حوزه فرهنگی (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (غلام‌پور، ۱۳۸۲)؛
- سبک‌های گذران فراغت (فراغت ماهواره‌ای- مذهبی- مجازی) (ساروخانی و میرزائی ملیکیان، ۱۳۹۳: ۸۶)، (فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۸: ۱۰۰)؛
- رفتارهای جدید روابط جنسی (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶)؛
- تغییرات ارزشی و ساختاری ارزش‌ها و هنجارهای متعدد و متضاد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶)، (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (بابایی فرد، ۱۳۹۲: ۴۲)، (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸: ۶۷)، (بابایی فرد، ۱۳۸۲)؛
- تعارض نقش‌ها (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸: ۶۷)؛

- سست شدن پیوندهای خانوادگی و ظهور جوانان نوگرا. (گودرزی، ۱۳۹۸: ۴۸۵)،
(شیانی و راسخی بخشایش، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۳)، (حاجیانی و ایروانی، ۱۳۹۷)؛
- تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع مراجع انتخاب شیوه زندگی (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰)؛
- پویایی بیش از پیش هویت {هویت چهل تکه یا هویت بریکولاژ} (شایگان به نقل از بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۳۷)، (هاشمیان فرو همکاران، ۱۳۹۰)، (بیننده، ۱۳۹۳: ۹)؛
- بی‌توجهی به عقلانیت و خرد بشری. (رویگرد خردمندانه به نقل از گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰)؛
- بیگانگی نسبت به ارزش‌های ملی، مقولات فرهنگی و اسطوره‌های نمادین هویت ملی و بومی (رویگرد بوم‌گرایانه به نقل از گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰). (بابایی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸)، (بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۲۲)، (شایگان به نقل از بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۳۷)؛
- طلاق (عبدی، ۱۳۹۸: ۲۴۹)؛
- کاهش افراطی تعلقات دینی، افزایش افراطی تعلقات دینی (باقی، ۱۳۹۸: ۹۷).
(بابایی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸)؛
- فرسایش سرمایه اجتماعی (باقی، ۱۳۹۸: ۱۲۷)؛
- اعتیاد (حسینی و کریمی، ۱۳۹۸: ۲۵۶)؛
- ویژگی دوره سنی جوانی و نوجوانی (آویس، ۲۰۱۶)، (اریکسون، ۱۹۹۸: ۳۰)؛
- وجود اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی متعددی-تنوع قومی فرهنگی (کوماراسوامی، ۲۰۰۶)؛
- کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی و تسلط سلطه عقلانیت ابزاری، از بین رفتن هویت‌یابی سنتی (شایگان به نقل از بابایی فرد، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۳۷)، (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۵)، (سی نت به نقل از گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۴۰-۲۳۸)؛
- دوستان؛
- جنسیت؛
- تحصیلات (ساروخانی و میرزائی ملیکیان، ۱۳۹۳: ۸۶)، (آویس، ۲۰۱۶)؛
- برجسب زنی (برجسب بیمار- برجسب فردزشت...) (زلفعلی فام و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸)؛
- جهانی شدن (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰)، (بیننده، ۱۳۹۳: ۹)، (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۸)، (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۰: ۳-۲)، (رابرتسون به نقل از یزدانی و مروتی، ۱۳۹۰: ۹)، شرایط بین‌المللی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳۸)؛
- به رسمیت نشناختن سایر مراجع فرهنگی و تمرکز آن در دست حاکمیت (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۸۵)؛

- الگوهای مرجع و سلبریتی‌های مورد انتخابی افراد؛
- خصوصیات اخلاقی فرد (بی‌برنامگی در زندگی- غفلت از فرصت‌ها- مسئولیت‌گریزی- دل‌مشغولی‌های بی‌ارزش- تقلید کورکورانه از دیگران) (گلستان جهرمی و گلستان جهرمی، ۱۳۹۳: ۱۵۳)؛
- توجه اندک نهادهای رسمی به مقوله هویت (آجیلی، ۱۳۹۷: ۲۰)؛
- خشونت خانوادگی (پیران، ۱۳۹۸).

شناسایی پیشران‌های محیط فناوریانه

- گسترش شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری هویت مجازی (به واسطه شبکه‌های اجتماعی افراد می‌توانند هویت‌های جعلی را برای خود تعریف نمایند) (مک لوهان به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳: ۲۶)، (کریس هنکین، ۲۰۱۳)، (نوابخش و مستانه، ۱۳۹۰)، (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳) (بابایی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸)؛
- هجوم تبلیغات رسانه‌ها و استیلا تکنولوژی‌های مدرن (مارکوزه به نقل از تدین، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹)، (کاستلز، ۱۹۹۷: ۶۹).

شناسایی پیشران‌های محیط زیستی

- توجه صرف به مسائل عمرانی و اقتصادی شهرها و بی‌توجهی به بخش روانی آن. (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)؛
- رشد شهرنشینی و فروپاشی شکل‌گیری‌های اجتماعی سابق (هاشمیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۰)؛
- مهاجرت (از روستا به شهر و دیگر کشورها) (پیران، ۱۳۹۸)؛
- حاشیه‌نشینی (نابرابری فضایی یا جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی شهری، آلودگی زیست‌محیطی) (پیران، ۱۳۹۸)، (نقدی، ۱۳۹۸: ۲۶۸)، (نصر اصفهانی، ۱۳۹۸: ۴۴۷)، (ساروخانی و میرزائی ملیکیان، ۱۳۹۳: ۸۶)، (جلایی‌پور، ۱۳۹۸: ۵۰)؛
- عدم تعادل در توسعه استانی (مشخصاً در استان‌های قومی و مرزنشین) (حاجیانی، ۱۳۹۸: ۳۲۴).

شناسایی پیشران‌های محیط قانونی

- نابرابری در آموزش (جلایی‌پور، ۱۳۹۸: ۵۰)، (فراستخواه و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸)؛
- نابرابری جنسیتی (فراستخواه و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸)، (پیران، ۱۳۹۸). (جوهری و فلاحتی، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

جدول ۱. پیشران‌های مهم محیط آینده بحران هویت جوانان در ایران

بر اساس مدل پستل و رویکرد لایه‌ای

پیشران	لایه مستقیم	لایه ملی	لایه جهانی
محیط سیاسی	سرخوردگی افراد از نادیده انگاشته شدن توسط حاکمیت	بیگانگی عموم جامعه نسبت به هویت مورد نظر نظام سیاسی	شکل‌گیری هویت‌های خاص گرایانه (بنیادگرایانه)
		عدم ایجاد هم‌سویی در سطح ملیت و قومیت (بین زبان رسمی و محلی) و همچنین عدم تعادل‌های ملی	
		سیاسی شدن قومیت	ارتباط ضعیف با عرصه عمومی جهانی
		ناابرابری قومی (تقویت تعصبات - احساس تبعیض)	تقابل میان تفکر اسلامی و تفکر لیبرالیستی
		داشتن دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت به مقوله هویت	
		ناکارآمدی سمن‌ها	
محیط اقتصادی		بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه	
	بیکاری جوانان		توجه بیش از اندازه به بعد اقتصادی جهان غرب
محیط اجتماعی - فرهنگی	محصولات فرهنگی غربی و مصرف‌گرایی افراطی	تغییرات ارزشی و ساختاری (ارزش‌ها و هنجارهای متعدد و متضاد)	جهانی‌شدن
	جنسیت	وجود اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی متعددی - تنوع قومی فرهنگی	

تحولات آینده بحران هویت جوانان در ایران

پیشران	لایه مستقیم	لایه ملی	لایه جهانی	
تغییرات فرهنگی	سبک‌های گذران فراغت (فراغت ماهواره‌ای - مذهبی - مجازی)	فرسایش سرمایه اجتماعی		
	برچسب زنی (برچسب بیمار - برچسب فرد زشت...)	چندگانگی هویت ایرانی و تداخل هویت ملی، دینی و مدرن		
	رفتارهای جدید روابط جنسی	کم رنگ شدن ارزش‌های سنتی و سلطه عقلانیت ابزاری		
	تعارض نقش‌ها	تصمیم‌های متعارض در حوزه فرهنگی		
	سست شدن پیوندهای خانوادگی و ظهور جوانان نوگرا	توجه اندک نهادهای رسمی به مقوله هویت		
	تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع مراجع انتخاب شیوه زندگی	به رسمیت نشناختن سایر مراجع فرهنگی و تمرکز آن در دست حاکمیت		
	بی‌توجهی به عقلانیت و خرد بشری.			
	طلاق			
	کاهش افراطی تعلقات دینی، افزایش افراطی تعلقات دینی			
	تحصیلات			
	اعتیاد			
	ویژگی سنی دوره جوانی و نوجوانی			
		خصوصیات اخلاقی فرد (بی‌برنامگی در زندگی، غفلت از فرصت‌ها، مسئولیت دل‌مشغولی‌های بی‌ارزش، تقلید کورکورانه از دیگران)		
		خشونت خانوادگی		
دوستان				
سلبریتی‌ها و الگوهای مرجع				

پیشران	لایه مستقیم	لایه ملی	لایه جهانی
محیط فناورانه			گسترش شبکه های اجتماعی و شکل گیری هویت مجازی (به واسطه شبکه های اجتماعی افراد می توانند هویت های جعلی را برای خود تعریف نمایند)
			هجوم تبلیغات رسانه ها و استیلای فناوری های مدرن
محیط زیستی		توجه صرف به مسائل عمرانی و اقتصادی شهرها و بی توجهی به بخش روانی آن	
		رشد شهرنشینی و فروپاشی شکل گیری های اجتماعی سابق	
		حاشیه نشینی (نابرابری فضایی یا جدایی گزینی اجتماعی - فضایی شهری، آلودگی زیست محیطی)	
		عدم تعادل در توسعه استانی (مشخصاً در استان های قومی و مرزنشین)	
	مهاجرت		
فناوری محیط		نابرابری در آموزش	
		نابرابری جنسیتی	

این ۵۱ پیشران مجدد برای خبرگان ارسال شد تا از بین آن ها، مهم ترین پیشران ها را انتخاب نمایند. سپس ۱۶ پیشران به عنوان مهم ترین پیشران مورد شناسایی قرار گرفت، در ادامه این ۱۶ پیشران در قالب پرسشنامه برای ۳۰ نفر از خبرگان ارسال و از آن ها درخواست گردید که در مورد میزان اهمیت و تأثیرگذاری هر یک از روندها بر «بحران هویت جوانان در ایران ۱۴۱۰» را مشخص نمایند. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، این ۱۶ پیشران وارد نرم افزار میک مک شد که تجزیه و تحلیل آن ها بدین صورت است.

تحولات آینده بحران هویت جوانان در ایران

جدول ۲. ورودی نرم افزار میک مک (اثرات مستقیم، MDI)

نابرابری جنسیتی	عدم تعادل در توسعه استانی	شبکه های اجتماعی و شکل گیری هویت مجازی	ویژگی سنی جوانی و نوجوانی	تکرر و تنوع و انتخاب سبک زندگی	تعارض نقش ها (محل کار، در سطح جامعه)	تغییرات ارزشی و ساختاری	بیگانگی عموم جامعه نسبت به هویت مورد نظر نظام سیاسی	بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه	چندگانگی هویت (ملی، دینی و مدرن)	جهانی شدن	داشتن دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت به مقوله هویت	نابرابری قومی	سر خوردگی افراد از نادیده انگاشته شدن توسط حاکمیت	ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی	تصمیم های متعارض حوزه فرهنگی
۳	۲	۱	۰	۲	۳	۰	۲	۱	۳	۲	۲	۰	۲	۳	تصمیم های متعارض فرهنگی
۳	۱	۱	۱	۳	۲	۱	۲	۳	۱	۰	۲	۲	۱	۰	ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی
۳	۲	۳	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۱	۰	۰	۲	۲	۰	سر خوردگی از نادیده گرفته شدن
۳	۱	۳	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۳	۱	۰	۳	۲	۰	نابرابری قومی
۳	۲	۳	۱	۰	۳	۱	۳	۳	۱	۱	۰	۳	۳	۳	داشتن دیدگاه ایدئولوژیک
۱	۱	۲	۱	۳	۲	۳	۱	۳	۰	۲	۲	۲	۲	۲	جهانی شدن
۲	۰	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۰	۳	۱	۱	۰	۱	چندگانگی هویت
۲	۲	۱	۲	۲	۳	۲	۱	۰	۰	۲	۲	۱	۱	۲	ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه
۳	۳	۱	۳	۳	۳	۰	۰	۳	۱	۱	۱	۱	۳	۲	بیگانگی جامعه با هویت مورد نظر نظام سیاسی
۳	۲	۳	۱	۳	۳	۰	۳	۲	۲	۲	۳	۱	۲	۲	تغییرات ارزشی و ساختاری
۱	۲	۱	۱	۲	۰	۲	۲	۳	۲	۰	۱	۳	۲	۱	تعارض نقش ها
۲	۱	۲	۲	۰	۳	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	تنوع سبک زندگی
۲	۰	۳	۰	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۳	۰	ویژگی سنی جوان
۱	۱	۰	۲	۳	۳	۱	۲	۱	۳	۳	۱	۰	۳	۲	گسترش شبکه های اجتماعی
۳	۰	۲	۰	۱	۰	۱	۳	۱	۱	۰	۱	۳	۳	۰	عدم تعادل در توسعه استانی
۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۲	۲	۲	۳	نابرابری جنسیتی

تحلیل خروجی پارامترها با تکنیک میک مک

در این مرحله داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار شده این نرم‌افزار که بر اساس تکنیک تحلیل تأثیر متقاطع و توسط میشل گوده^۱ مطرح شده است، امکان شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین متغیر را فراهم می‌نماید. همچنین مهم‌ترین متغیرهای ریسک یا تنظیم‌کننده را معرفی می‌کند. منطق این روش بررسی روابط و تعاملات زوجی میان پیشران‌ها است که هم روابط مستقیم و هم روابط غیرمستقیم یک ماتریس را بررسی می‌کند.

قابل ذکر است که بر اساس استانداردهای آماری که میشل گوده به عنوان طراح نرم‌افزار میک مک ارائه کرده است، حداقل نمره^۲ پرشدگی ماتریس می‌بایست ۱۵ درصد باشد تا بتواند به درستی نشان‌دهنده روابط واقعی مستقیم و غیرمستقیم باشد.

درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

اثرات متقابل عوامل با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینگی ۱۰۰ درصدی برخوردار شده‌اند که حکایت از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن در دو بعد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری است.

جدول ۳. درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس (MDI stability)

ITERATION	INFLUENCE	DEPENDENCE
۱	۱۰۰ درصد	۹۶ درصد
۲	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد

تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقابل

درجه پرشدگی ماتریس ۸۲/۴۱ درصد است و نشان می‌دهد که در بیش از ۷۵ درصد موارد، پیشران‌ها بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند. از مجموع رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس تعداد ۴۵ رابطه صفر بوده که نشان‌دهنده عدم تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری عوامل از یکدیگر است. تعداد ۷۱ رابطه ۱ است و نشان‌دهنده روابط ضعیف است عدد ۲ دارای ۷۹ تکرار بوده و نشان‌دهنده تأثیرگذاری نسبتاً متوسط است و در نهایت عدد ۳ با ۶۱ بار تکرار که نشان‌دهنده روابط پیشران‌ها با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا است.

جدول ۴. تحلیل اولیه ماتریس و تأثیرات متقابل

Indicator	Value
Matrix size	۱۶
Number of iterations	۲
Number of zeros	۴۵
Number of ones	۷۱
Number of twos	۷۹
Number of threes	۶۱
Number of P	۰
Total	۲۱۱
Fillrate	%۸۲.۴۲۱۸۸

جمع نمرات متغیرها روی اثرات مستقیم

جمع مقادیر ماتریس دو حالت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. در واقع جمع سطری تأثیرگذاری و جمع ستونی ماتریس برای هر متغیر نشان‌دهنده تأثیرپذیری است. با توجه به جدول، ماتریس بیشترین میزان تأثیرگذاری را به ترتیب؛ دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی و ساختاری، جهانی شدن و بیشترین مقدار تأثیرپذیری را سبک‌های زندگی دارند.

جدول ۵. جمع نمره های متغیرها روی اثرات مستقیم MPDI row and column sum

°N	Variable	Total number of rows	Total number of columns
۱	تصمیم‌های متعارض در حوزه فرهنگی	۲۶	۱۸
۲	ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی	۲۴	۲۶
۳	سرخوردگی افراد از نادیده گرفته شدن توسط حاکمیت	۲۸	۳۵
۴	نابرابری قومی	۲۴	۲۲
۵	دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت	۳۵	۱۸
۶	جهانی شدن	۳۱	۱۶
۷	چندگانگی هویت - هویت ملی، دینی، مدرن	۲۰	۲۷
۸	بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه	۲۳	۲۹
۹	بیگانگی جامعه با هویت مورد نظر نظام سیاسی	۲۸	۳۰

°N	Variable	Total number of rows	Total number of columns
۱۰	تغییرات ارزشی و ساختاری	۳۳	۲۳
۱۱	...تعارض نقش‌ها در محل کار- در سطح جامعه	۲۴	۲۹
۱۲	وجود سبک‌های متفاوت زندگی	۲۰	۳۲
۱۳	ویژگی طبیعی دوره سنی جوانی و نوجوانی	۱۹	۲۱
۱۴	گسترش شبکه های اجتماعی و هویت مجازی	۲۸	۲۹
۱۵	عدم تعادل در توسعه استانی	۲۱	۲۲
۱۶	نابرابری جنسیتی	۲۸	۳۵
	Totals	۴۱۲	۴۱۲

تعیین تأثیر عوامل بر یکدیگر

در مجموع در هر سیستم دو نوع روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل وجود دارد. در تحلیل صفحه پراکنش، عوامل می‌توان این روابط را شناسایی کرد. در حالت کلی، در تحلیل نمودار پراکندگی متغیرها می‌توان پنج دسته متغیر در سیستم شناسایی کرده شامل؛ متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای دووجهی، متغیرهای تأثیرپذیر، متغیرهای مستقل و متغیرهای تنظیمی می‌باشند.

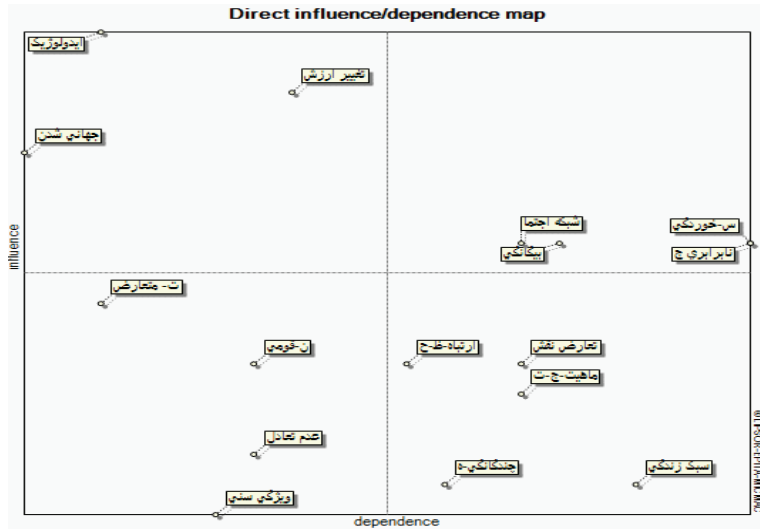
با توجه به نمودار پراکندگی عوامل و همچنین روابط بین متغیرها در حالت مستقیم و غیرمستقیم، سه عامل؛ ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی و ساختاری، جهانی شدن، به عنوان پیشران‌های تأثیرگذار بر بحران هویت جوانان مشخص شده‌اند. این دسته از عوامل در ربع اول نمودار مشاهده می‌شوند و توان تأثیرگذاری بالایی بر کل سیستم دارند.

پیشران‌های سرخوردگی افراد از نادیده گرفته شدن توسط حاکمیت، بیگانگی جامعه با هویت مورد نظر نظام سیاسی، شبکه اجتماعی و نابرابری جنسیتی در ربع دوم نمودار قرار می‌گیرند که متغیرهای دو وجهی هستند. این متغیر به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شود و ویژگی اصلی آن تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد است.

پیشران‌هایی نابرابری قومی، عدم تعادل در توسعه استانی، ویژگی طبیعی دوره سنی جوانی و نوجوانی و تصمیم‌های متعارض در حوزه فرهنگی در ربع سوم مشاهده می‌شود که دارای استقلال و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمتری نسبت به کل سیستم هستند.

و در انتهای پیشران‌های؛ ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی، تعارض نقش‌ها

در محل کار- در سطح جامعه، بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه، چندگانگی هویت- هویت ملی، دینی، مدرن، سبک زندگی متفاوت در ربع چهارم قرار داشته و از قدرت تأثیرپذیری بالایی برخوردار هستند.



نمودار ۱. پراکندگی عوامل و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری- تأثیرپذیری مستقیم

نمودار اثرات مستقیم

در این تحقیق همان‌طور که در صفحات پیشین اشاره شد؛ متناسب با تعداد پیشران‌ها؛ خانه‌های ماتریسی $n \times n$ توسط خبرگان امتیازدهی شد که این ماتریس اثرات مستقیم نامیده می‌شود و در آن هر درایه n_{ij} نمایانگر میزان تأثیر بوده و مقدار آن بسته به میزان تأثیر متغیر i بر متغیر j است.

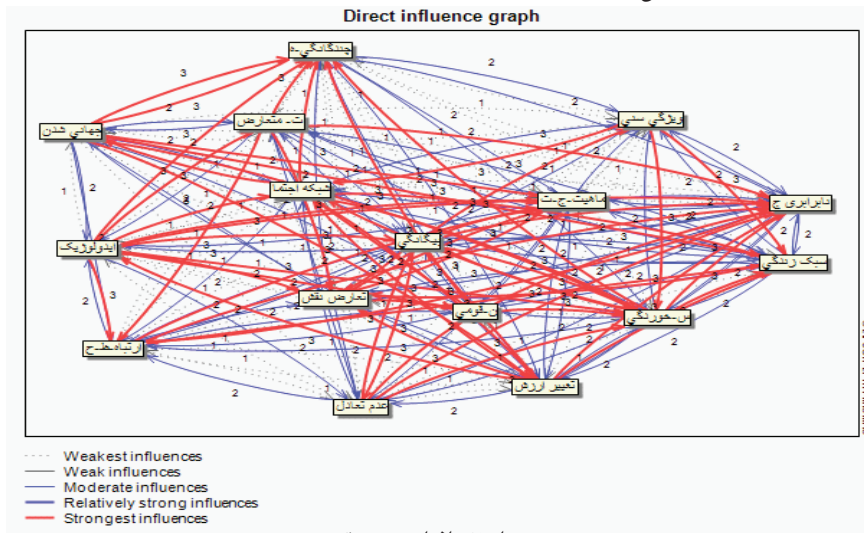
در روش مستقیم تأثیر مستقیم متغیر K بر دیگر متغیرها حاصل جمع تمامی مقادیر سطر K از ماتریس است و تأثیرپذیری متغیر K از سایر متغیرها حاصل جمع مقادیر ستون K است. به‌طور کلی، اثرات مستقیم نشان‌دهنده تأثیرات و احتمالات موجود و وابستگی بین متغیرها است.

از نمودار شبکه‌ای اثرات متغیرها بر یکدیگر می‌توان برای ترسیم روابط میان متغیرها استفاده کرد و گراف تصویرسازی شبکه اثرات متقابل است در این روش هر یک از متغیرها معرف یک گره تأثیر این گره بر سایر متغیرها با یک یال جهت‌دار

ترسیم می‌شود. از طرف دیگر، تأثیر و متغیرهای دیگر بر یک گره خاص نیز با یال‌های جهت‌دار مشخص می‌شوند.

در گراف روابط بین متغیرها مشخص شده و دو ویژگی مهم دارند:

- این مسائل جهت‌دار هستند؛ به این معنی که مسئله «الف» ممکن است بر مسئله «ب» تأثیر داشته ولی مسئله «ب» بر «ب» اثری نداشته باشد؛
- این روابط شدت‌دار هستند؛ به این معنی که با اثر قوی کد ۳، متوسط کد ۲ و ضعیف کد ۱ در ماتریس ثبت شده‌اند؛ بنابراین با استفاده از ابزارهایی مانند ضخامت یا رنگ خطوط شدت اثرگذاری و ابزارهایی مانند رنگ شکل و اندازه گره‌ها شاخص تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری تصویرسازی شده است در گراف‌ها جهت فلش‌ها نشان‌دهنده تأثیرگذاری مستقیم و قوی یک مسئله بر مسائل دیگر است. هر چه اندازه گره بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده تأثیر مستقیم بیشتر بر مسائل دیگر است.



بررسی روابط متقابل پیشران‌ها با روش غیرمستقیم

نرم‌افزار میک میک روابط بین عوامل را به توان ۲، ۳، ۴، ۵ و غیره می‌رساند تا بر این اساس اثرات غیرمستقیم عوامل بر یکدیگر سنجیده شود. هر چه میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یک عامل بیشتر باشد، احتمال قرارگیری عامل در منطقه ریسک و هدف بیشتر است و بنابراین عامل کلیدی محسوب می‌شود.

اثرات غیرمستقیم

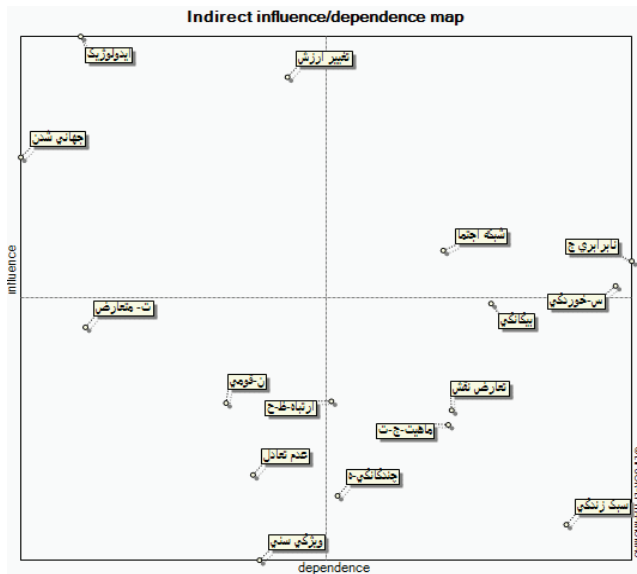
اساس کار برای محاسبه تأثیرات غیرمستقیم چندین مرتبه ضرب ماتریس در خودش یا به عبارت دیگر به توان n رساندن ماتریس اثرات مستقیم است. پس از هر بار ضرب ماتریسی، جمع سطری و ستونی اثرات محاسبه و متغیرها رتبه بندی می شوند. این فرایند به صورت تکراری ادامه می یابد تا زمانی که رتبه همه متغیرها در مرحله $k-1$ با رتبه آن ها هنگامی که ماتریس به توان $k+1$ می رسد، تفاوتی نداشته باشد. در روش میک مک معمولاً توان مقدار n ، 7 یا 8 است به این معنا که با 7 یا 8 بار ضرب ماتریس اثرات مستقیم در خودش، رتبه متغیرها بدون تغییر باقی مانده نتایج به پایداری رسیده و فرآیند ریاضیاتی تکراری تکمیل می شود اثرات غیرمستقیم طبقه بندی جدیدی از متغیرها است که بر مهم ترین متغیرهای سیستم تأکید می کند در واقع با ضرب ماتریسی در اثرات غیرمستقیم، متغیر پنهان تشخیص داده می شود. در پژوهش ما بعد از ضرب دوم تغییری در جایگاه متغیرها ایجاد نشد.

جدول ۶. جمع نمرات متغیرها بر اثرات غیرمستقیم

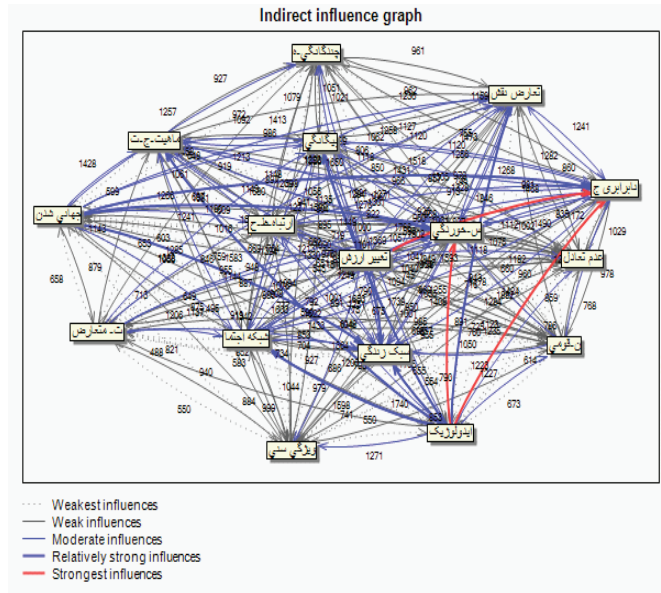
°N	Variable	Total number of rows	Total number of columns
۱	تصمیم های متعارض در حوزه فرهنگی	۱۶۹۶۱	۱۱۶۷۵
۲	ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی	۱۵۵۴۶	۱۶۴۹۳
۳	سرخوردگی افراد از نادیده گرفته شدن توسط حاکمیت	۱۷۷۵۳	۲۲۰۶۲
۴	نابرابری قومی	۱۵۵۱۱	۱۴۴۳۰
۵	دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت	۲۲۵۲۵	۱۱۵۸۰
۶	جهانی شدن	۲۰۲۱۳	۱۰۴۰۹
۷	چندگانگی هویت- هویت ملی، دینی، مدرن	۱۳۷۳۶	۱۶۶۱۴
۸	بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه	۱۵۰۹۵	۱۸۷۸۴
۹	بیگانگی جامعه با هویت مورد نظر نظام سیاسی	۱۷۴۱۵	۱۹۶۶۳
۱۰	تغییرات ارزشی و ساختاری	۲۱۷۴۷	۱۵۶۶۳
۱۱	...تعارض نقش ها در محل کار- در سطح جامعه	۱۵۳۷۳	۱۸۸۴۹
۱۲	وجود سبک های متفاوت زندگی	۱۳۱۸۴	۲۱۰۹۷
۱۳	ویژگی طبیعی دوره سنی جوانی و نوجوانی	۱۲۵۰۴	۱۵۰۸۵

°N	Variable	Total number of rows	Total number of columns
۱۴	گسترش شبکه اجتماعی و هویت مجازی	۱۸۴۳۰	۱۸۶۸۶
۱۵	عدم تعادل در توسعه استانی	۱۴۱۳۶	۱۴۹۵۸
۱۶	نابرابری جنسیتی	۱۸۲۲۷	۲۲۳۷۸
	Totals	۴۱۲	۴۱۲

با توجه به جدول ماتریس ذیل، بیشترین میزان تأثیرگذاری غیرمستقیم را به ترتیب ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی و ساختاری، جهانی شدن و بیشترین مقدار تأثیرپذیری را سبک‌های متفاوت زندگی دارند.



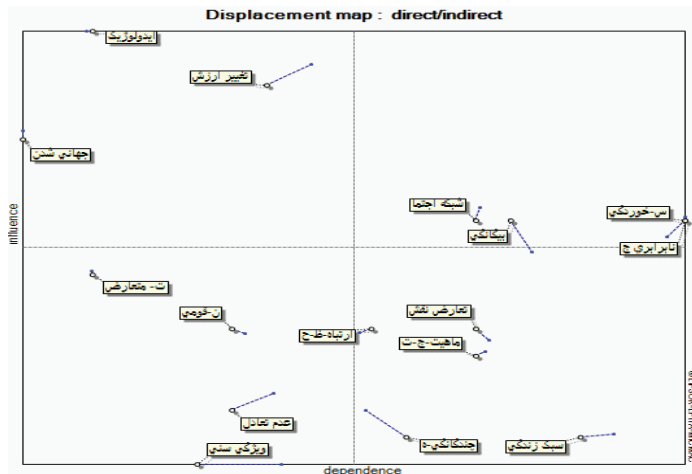
نمودار ۳. پراکنندگی عوامل و جایگاه آن در محور تأثیرگذاری- تأثیرپذیری غیرمستقیم در گراف محاسبه اثرات غیرمستقیم متغیرها قابل ذکر است که اثرات غیرمستقیم مترادف با مفهوم مسیر در نظریه گراف است مسیر در نظریه گراف به تعداد یال‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن از یک گره به گره دیگر الزام است و کمترین مسیر ممکن وجود یک یال بین دو نقطه است. این مترادف با اثرات مستقیم در تحلیل ساختاری است؛ اما می‌توان با عبور از چندین گره مجاور به گره دیگری رسید.



نمودار ۴. نمودار اثرات غیرمستقیم

ارزیابی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

در این بخش میزان و درجات تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر به دست آمده و نشان می‌دهد که صرفاً چند شاخص محدود در رتبه بندی تفاوت جایگاه پیدا کرده‌اند.



نمودار ۵. میزان جابجایی در حالت مستقیم به غیرمستقیم

جدول ۷. جایگاه هریک از عوامل در نقشه تأثیرگذاری- تأثیرپذیری

رتبه	طبقه‌بندی	عوامل کلیدی
۱	عوامل تأثیرگذار	ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی و ساختاری، جهانی شدن
۲	عوامل دو وجهی	سرخوردگی افراد از نادیده گرفته شدن توسط حاکمیت، بیگانگی جامعه با هویت موردنظر نظام سیاسی، شبکه اجتماعی و نابرابری جنسیتی
۳	عوامل تأثیرپذیر	ارتباط ضعیف حاکمیت با نظام جهانی، تعارض نقش‌ها در محل کار- در سطح جامعه، بحران هویت به عنوان بخشی از ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه، چندگانگی هویت- هویت ملی، دینی، مدرن، سبک زندگی متفاوت
۴	عوامل مستقل	نابرابری قومی، عدم تعادل در توسعه استانی، ویژگی طبیعی دوره سنی جوانی و نوجوانی و تصمیم‌های متعارض در حوزه فرهنگی

اندازه اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر

در ماتریس اثرات متقابل جمع اعداد سطرهای هر، پیشران نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری و جمع هر ستون پیشران نشان‌دهنده مقدار تأثیرپذیری آن پیشران از پیشران‌های دیگر است. تأثیر متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گروه‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده قابل‌شناسایی است. متغیری که بر تعداد محدودی از متغیرها اثر مستقیم دارد، تأثیرگذاری کمی در کل سیستم دارد.

با در نظر گرفتن ستون یک متغیر در ماتریس می‌توان اثرپذیری مستقیم آن متغیر را بررسی کرد. در جدول زیر میزان اثرگذاری و اثرپذیری ۱۶ پیشران اصلی بحران هویت جوانان در ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشخص شده است. تمامی پیشران‌ها با میزان و همچنین رتبه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌ها در جدول ذیل آمده است.

تحولات آینده بحران هویت جوانان در ایران

جدول ۸. پیشران‌های مقدار اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم بحران هویت جوانان

R.rank	Label	Direct influence	Label	Direct dependence	Label	Indirect influence	Label	Indirect dependence
۱	دیدگاه ایدئولوژیک	۸۴۹	سرخوردگی	۸۴۹	دیدگاه ایدئولوژیک	۸۳۹	نابرابری جنسیتی	۸۳۳
۲	تغییر ارزش	۸۰۰	نابرابری جنسیتی	۸۴۹	تغییر ارزش	۸۱۰	سرخوردگی	۸۲۲
۳	جهانی شدن	۷۵۲	سبک زندگی	۷۷۶	جهانی شدن	۷۵۳	سبک زندگی	۷۸۶
۴	سرخوردگی	۶۷۹	بیگانگی	۷۲۸	شبکه اجتماعی	۶۸۶	بیگانگی	۷۳۱
۵	بیگانگی	۶۷۹	ماهیت	۷۰۳	نابرابری جنسیتی	۶۷۹	تعارض نقش	۷۰۲
۶	شبکه اجتماعی	۶۷۹	تعارض نقش	۷۰۳	سرخوردگی	۶۶۱	ماهیت طبیعی جوامع در حال توسعه	۶۹۹
۷	نابرابری جنسیتی	۶۷۹	شبکه اجتماعی	۷۰۳	بیگانگی	۶۴۸	شبکه اجتماعی	۶۹۶
۸	تصمیم‌های متعارض	۶۳۱	چندگانگی	۶۵۵	تصمیم‌های متعارض	۶۳۲	چندگانگی هویتی	۶۱۹
۹	ارتباط ضعیف حاکمیت	۵۸۲	ارتباط ضعیف حاکمیت	۶۳۱	ارتباط ضعیف حاکمیت	۵۷۹	ارتباط ضعیف حاکمیت	۶۱۴
۱۰	نابرابری قومی	۵۸۲	تغییر ارزش	۵۵۸	نابرابری قومی	۵۷۸	تغییر ارزش	۵۸۲
۱۱	تعارض نقش	۵۸۲	نابرابری قومی	۵۳۳	تعارض نقش	۵۷۲	ویژگی سنی	۵۶۲

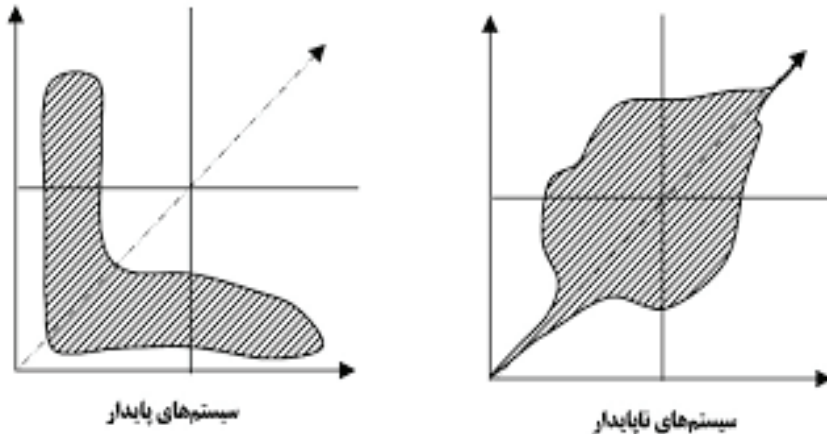
Rank	Label	Direct influence	Label	Direct dependence	Label	Indirect influence	Label	Indirect dependence
۱۲	ماهیت- ج-ت	۵۵۸	عدم تعادل	۵۳۳	ماهیت جوامع در حال توسعه	۵۶۲	عدم تعادل	۵۵۷
۱۳	عدم تعادل	۵۰۹	ویژگی سنی	۵۰۹	عدم تعادل	۵۲۶	نابرابری قومی	۵۳۷
۱۴	چندگانگی هویتی	۴۸۵	تصمیم‌های متعارض	۴۳۶	چندگانگی هویتی	۵۱۱	تصمیم‌های متعارض	۴۳۵
۱۵	سبک زندگی	۴۸۵	دیدگاه ایدئولوژیک	۴۳۶	سبک زندگی	۴۹۱	دیدگاه ایدئولوژیک	۴۳۱
۱۶	ویژگی سنی	۴۶۱	جهانی شدن	۳۸۸	ویژگی سنی	۴۶۵	جهانی شدن	۳۸۷

پایداری و ناپایداری سیستم

نحوه پراکنش متغیرها در نمودار پایداری یا ناپایداری سیستم را مشخص می‌کند. پراکندگی متغیرها در داخل نمودار نشان از میزان پایداری یا ناپایداری سیستم دارد. به این صورت که اگر متغیرها به صورت L در نمودار قرار گیرند سیستم پایدار است. این حالت سیستم، نشانگر ثبات در متغیرهای تأثیرگذار و تداوم تأثیر آن‌ها بر سایر متغیرها است؛ به عبارت دیگر در این سیستم تعداد متغیرهایی که بیشترین میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را دارند، بیشتر است. از این رو در این سیستم قابلیت کنترل و هدایت سیستم آسان‌تر است. همچنین اگر متغیرها و عوامل استراتژیک از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشند سیستم ناپایدار بوده و کمبود متغیرهای تأثیرگذار، عامل تهدید سیستم می‌باشد.

با توجه به خروجی سیستم، پراکندگی پیشران‌های تأثیرگذار بر بحران هویت جوانان در ایران، نشان‌دهنده وضعیت ناپایدار در سیستم است. اغلب عوامل در اطراف محور قطری صفحه پراکنده‌اند؛ سه قسمت شمال غربی نمودار مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیرگذاری بالای آن‌ها است و باقی عوامل در عوامل وضعیت تقریباً مشابهی

دارند و فقط شدت و ضعف آن‌ها متفاوت است. در نتیجه در پژوهش پیش‌رو سیستم ما ناپایدار است بنابراین می‌توانیم برای آن برنامه‌ریزی انجام دهیم.



نمودار ۶. سیستم پایدار و ناپایدار در میک مک

جمع‌بندی نتایج بخش تحلیل ساختاری

تحلیل نتایج الگوی پراکندگی عوامل چند دسته عوامل را اعم از تأثیرگذار، تأثیرپذیر، دو وجهی، تنظیمی و مستقل در اختیار ما قرار می‌دهد بر اساس نتایج، حاصل از میان عوامل کلیدی نهایی شش پیشران در ایران را دارند. سرخوردگی افراد از نادیده گرفته شدن توسط حاکمیت، دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، جهانی شدن، گسترش شبکه‌های اجتماعی و هویت مجازی، نابرابری جنسیتی و تغییرات ارزشی و ساختاری، بیشترین تأثیرگذاری بر بحران هویت جوانان در ایران را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

همچنان که در بخش یافته‌های تحقیق اشاره شد، پیشران‌های شدیداً تأثیرگذار برای بحران هویت جوانان؛ دیدگاه ایدئولوژیک حاکمیت نسبت به هویت، تغییرات ارزشی و ساختاری و جهانی شدن است. این پیشران‌ها با بخش نظری تحقیق مطابقت دارد. به‌طور که همه نظریه‌پردازان (گیدنز، فوکویاما، جنکینز، ماکوزه و...) متفق‌القول هستند که در جوامع سنتی پیوند تنگاتنگ فضا، زمان و فرهنگ در یک مکان یا محل و سرزمین معین، نیازهای هویتی را به خوبی تأمین می‌کرد و انسان‌ها درون دنیاهای اجتماعی کوچک، محدود، پایدار و منسجم خود به هویت و معنای موردنیاز خود

به آسانی دست می‌یافتند، ولی فرایند جهانی شدن با پاره کردن این پیوند و نفوذپذیر کردن و فروریختن مرزهای مختلف زندگی اجتماعی، آن دنیاها را به شدت متزلزل و حتی نابود کرد. تحت تأثیر این دگرگونی‌های بنیادین، امکان هویت‌یابی سنتی بسیار کاهش یافته و نوعی بحران هویت و معنا پدیدار شده است. مسئله شدن هویت که همواره بحث بحران هویت در خلال آن نیز مطرح بوده است طی فرایندهای ۱. چندبعدی شدن هویت؛ ۲. سیال شدن هویت؛ ۳. جهانی/ محلی شدن هویت؛ ۴. سیاسی شدن هویت، رخ داده و پیامدها و اثرهای مهمی بر کنش‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه بر جای گذاشته است.

از سوی دیگر با تأیید پیشینه تجربی تحقیق با یافته‌های این پژوهش، می‌توان بیان داشت که داشتن دیدگاه ایدئولوژیک به مقوله هویت سبب ایجاد بحران هویت می‌گردد. فوکویاما در کتاب «هویت؛ سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن» عنوان می‌کند که وقتی هویت فرد یا گروهی انکار یا تحقیر می‌شود بدان معناست که موجودیت آن فرد یا گروه زیر سؤال می‌رود و پذیرفته نمی‌شود. چنین وضعیتی حتی اگر فرد در رفاه اقتصادی باشد برای او قابل تحمل نیست و سبب بحران در هویت می‌گردد.

جوانان و نوجوانان دو دهه اخیر، دیگر نه فرزند نهادهای رسمی مانند مدرسه و نه رسانه‌های رسمی چون تلویزیون دولتی است بلکه نسل شبکه‌های اجتماعی هستند. همه چیز برای آن‌ها با سرعت تعریف شده است. در توصیف این نسل آمده است که حتی زمان پست گذاشتن عکس‌ها در اینستاگرام برای آن‌ها به کندی می‌گذرد از این رو تصاویر ویدئویی در ریلز را ترجیح می‌دهد. از سویی دیگر نسل شبکه‌های اجتماعی در فضایی افقی‌تر نسبت به فضای سلسله‌مراتبی جامعه پیشا شبکه‌ای بزرگ شده است. همان‌طوری که عباس کاظمی نیز در مقاله «جابجایی‌های عظیم فرهنگی - اجتماعی و جنبش زندگی روزمره در ایران» بیان می‌کند، شبکه اینترنت، تلفن‌های همراه هوشمند و شبکه‌های اجتماعی امکان اشتراکی شدن ارزش‌های اندرونی را به شیوه‌ای امکان‌پذیر کردند که فرهنگ اشتراکی جدیدی برای پذیرا شدن ارزش‌های متفاوت از سبک زندگی اسلامی ایران رقم خورد. مرزهای فضاهای اندرونی گسترده شد و ارزش‌های جدیدی تکرار شدند و به ایجاد هویت‌های تحول‌خواه شکل دادند. هویت‌های تحول‌خواه آن‌قدر رشد کردند که دیگر محدوده مرزهای فضاهای اندرونی برای آن‌ها کوچک شد. در نتیجه دیدگاه ایدئولوژیک و تشدید فیلترینگ برای این نسل نمی‌تواند به عنوان یک

راه‌حل درستی تلقی شود.

فاکتور متمایز کننده بعدی نسبتی است که با جهان سنتی و مذهبی برقرار می‌کند. می‌توان بیان کرد که نسبت جوانان با مذهب و با کل جهان پیشینیان متفاوت است و تا اندازه زیادی پرسشگرانه با آن روبه‌رو می‌شود.

سیاست‌گذاری باید توجه داشته باشد که منطق انتخاب راهکارها و دسته‌بندی آن‌ها حفظ سازگاری انواع هویت و هم‌نشینی آن‌ها است، به این معنی که در سیاست‌ها باید هدف عدم برجسته‌سازی هویت خاص و نه به معنای انکار آن‌ها و نیز اجماع و گفت‌وگوی ملی مبتنی بر تساهل و مدارا مدنظر باشد.

رفع موانع مشارکت سیاسی اجتماعی و اقتصادی شهروندان و مشخصاً جوانان، در اداره امور کشور؛ توجه مستمر و عمیق به ترکیبی بودن و چندبعدی بودن هویت و پرهیز از یک‌جانبه‌نگری، تلاش برای سازگار کردن هویت‌های سنتی، ملی مذهبی و قومی با عناصر مدرن و جهانی‌شدن؛ از جمله عوامل دیگری است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، برای یک آینده مطلوب باید در نظر داشته باشند.

منابع و مأخذ

- بابایی فرد، اسداله (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی بحران هویت در جامعه معاصر ایران. بررسی موردی: دانش‌آموزان پسر شهر تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران.
- بابایی فرد، اسداله (۱۳۹۳). بحران هویت در جامعه معاصر ایران (رویکردی نظری). تهران: انتشارات چاپخش.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی». فصلنامه هویت ملی، ۵، ۳۱۶-۲۸۷.
- بیننده، مسعود (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی بر ساخت گفتمانی هویت اجتماعی (مطالعه جوانان شهر سنج) (رساله دکتری جامعه‌شناسی). دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۶). هویت اجتماعی، ترجمه نازنین میرزاییگی، تهران: نشر آگاه.
- جنکینز، ریچارد دین (۱۳۹۷). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۰). آینده‌شناسی هویت جمعی در ایران با روش تحلیل ماتریس متقاطع. مجموعه مقالات آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. پژوهشکده تحقیقات راهبردی. تهران: نشر نظام مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۸). گزارش وضعیت اجتماعی نابرابری‌های قومی در ایران. دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران (همبستگی اجتماعی و نابرابری، ۱۳۸۱-۱۳۹۶)، به اهتمام میرطاهر موسوی. تهران: انتشارات آگاه.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۸۸). پرسش از آینده: آینده‌پژوهی به مثابه ابزار تحول سازمانی و اجتماعی، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاع.
- عنایت‌الله، سهیل. میلیویچ، ایوانا (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (جلد اول) ترجمه مهدی مبصری، مریم یوسفیان. تهران: انتشارات شکیب
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸)، هویت (سیاست هویت‌کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن)، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: انتشارات روزنه
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳). «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان». نوآوری‌های آموزشی، ۳(۹)، ۸۸-۱۱.

نوابخش، مهرداد، نیکوکار مستانه (۱۳۹۰). «جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان» مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۳)، ۱۱۰-۸۹.

Kumaraswamy، P R(2006)، Who Am I? The Identity Crisis In The Middle East، Middle East Review of International Affairs، Vol. 10، No. 1 (March 2006)

Castells، Manuel(1997) . The Power of Identity. Vol. 2 of The Information Age: Economy، Society، and Culture. Oxford: Blackwell، 1997. Pp. xv+461.

Kaul، Vineet(2014). Globalisation and crisis of cultural identity، <http://www.globalscienceresearchjournals.org>

Dombrovskis، Aivis(2016). Identity And an Identity Crisis: The Identity Crisis of First-Year Female Students at Latvian Universities And Their Sociodemographic Indicators، <https://www.researchgate.net/publication/303556790>

Kurebwa، Jeffrey(2020). The Effects of Globalization on Youth Culture and Identity: A Zimbabwean Experience، Canadian Social Science، www.cscanada.net

Larasati، Adlina (2017) Identity Crisis In Adolescence Period Experienced By Asha In Shilpi Somaya Gowda's Secret Daughter. S1 thesis, Universitas Negeri Yogyakarta.

